

آسیب‌شناسی کارکردهای جنسیتی زوجین در خانواده از دیدگاه قرآن

ابراهیم نعیمی^۱، سمیه کاظمیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۲۰

چکیده

اگرچه درباره اهمیت نهاد خانواده در اسلام و آموزه‌های دینی درباره تحکیم نهاد خانواده، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است، اما ویژگی عمده این پژوهش‌ها، غفلت از بازخوانی آموزه‌های دینی از منظر آسیب‌شناسی کارکردهای جنسیتی زوجین است. نویسنده بر این باور است که در ایران نظریه‌پردازی و نگاه جامع به خانواده وجود نداشته و از همین روی، کارکردهای جنسیتی زوجین کمابیش در جهت تضعیف و تهدید کیان خانواده قرار گرفته است. در مقاله حاضر با هدف استخراج دیدگاه اصیل اسلامی یعنی نص قرآن کریم، به بررسی کارکردهای جنسیتی زوجین پرداخته شده است. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها روش کتابخانه‌ای و ابزار آن، فیش‌برداری بوده است. در این تحقیق برای تحلیل اطلاعات، از تحلیل کیفی استفاده شد. در این مقاله تلاش بر آن است مشکلات خانواده بر مبنای دیدگاه قرآنی مورد بررسی قرار گیرد و به آسیب‌شناسی کارکردهای جنسیتی زوجین پرداخته شود و پیامدهای این جریان در حوزه خانواده بازنمایی گردد. یافته‌های این پژوهش آشکارسازی آسیب‌های کارکردهای جنسیتی مردان و زنان مبتنی بر دیدگاه‌های قرآن کریم می‌باشد.

واژگان کلیدی: جنسیت، قرآن مجید، زوجین

^۱ - استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی. naeimi@atu.ac.ir

^۲ استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه و بیان مسئله

آسیب به حالتی بیمارگونه اطلاق می‌شود که مانع کارکرد بهنجار فرد گردد. اصطلاح آسیب‌شناسی برجسبی کلی برای مطالعه این گونه حالات است (پورافکاری، ۱۳۷۳). آسیب‌های جنسیتی زوجین، مجموعه عوامل جنسیتی است که باعث ایجاد تعارض و اختلافات زناشویی در خانواده می‌شود، میزان خشنودی و سازگاری زوجین را کاهش می‌دهد، مانع عملکرد بهنجار زندگی زناشویی می‌گردد و گاهی به طلاق و جدایی منجر می‌شود (بستان، ۱۳۸۲).

زندگی زناشویی یکی از جهانی‌ترین نهادهای بشری است که از دو نفر با توانایی‌ها و استعدادهای متفاوت و با نیازها و علایق مختلف و در یک کلام باشخصیت‌های گوناگون تشکیل شده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰، ترجمه براواتی و نقش‌بندی، ۱۳۸۲). یک رابطه زناشویی صمیمی مستلزم آن است که زوجین یاد بگیرند با هم ارتباط برقرار کنند و در عین حال با هم متفاوت باشند. تعارض زمانی به وجود می‌آید که زوجین به دلیل همکاری و تصمیمات مشترکی که می‌گیرند درجات مختلفی از استقلال و همبستگی را نشان دهند که این تفاوت‌ها را می‌توان روی یک پیوستار، از تعارض خفیف تا تعارض کامل طبقه‌بندی کرد (یونگ و لانگ^۱، ۱۹۹۸).

از نظر گلاسر (۱۹۹۸) تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرح‌واره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است. فرایند تعارض زمانی به وجود می‌آید که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل مورد علاقه او را سرکوب می‌کند. یا چیزی که رضایت را برای شخص فراهم کرده، در حالی که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال می‌آورد. درمانگران سیستمی، تعارض را هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت که در جهت اخذ امتیازات دیگری و افزایش امتیازات

۱- Young, E. M., & Long, L.

خود بروز می‌کند، می‌دانند. بدیهی است که طرفین نزاع، قصد دارند به طرف مقابل خود آسیب برسانند، تاکتیک‌های او را خنثی و بالاخره از صحنه بیرون کنند. بنابراین وجود تعارض زناشویی ناشی از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی و جنسیتی است و گاهی اوقات، آن قدر شدت می‌یابد که احساس خشم، خشونت، کینه، نفرت، حسادت و سوءرفتار کلامی و فیزیکی در روابط زوجین حاکم می‌شود و به شکل حالات تخریب‌گر و ویران‌کننده بروز و ظهور می‌یابد (یونگ و لانگ، ۱۹۹۸).

امروزه شاهد بروز مشکلات زیادی هستیم که برخی از آن‌ها به نوعی از تفکر کاملاً یکسان دانستن زن و مرد، نشأت می‌گیرد؛ مانند اشتغال زنان، درجات بالاتر تحصیلی دختران نسبت به پسران، بیکاری جوانان به خصوص پسران و مردان، بالا رفتن سن ازدواج، سپردن کودکان کوچک حتی شیرخوار به مهد کودک برای ساعات طولانی، محروم کردن کودکان از آغوش گرم مادران در سال‌های اوج نیاز کودک به مادر، کمبود شرایط تحصیل یا اشتغال مناسب با ویژگی‌ها و شرایط خاص زنان، اختلاط زنان با مردان به دلیل حضور اجتماعی بیش از حد یا غیر محافظت شده زنان در جامعه و بالا رفتن درجه آسیب‌پذیری جامعه، مشکلات فساد اخلاقی، بزهکاری، فرار از خانه، اعتیاد، طلاق، شیوع روابط ناسالم با جنس مقابل، سردی روابط عاطفی در خانواده‌ها، افزایش تعارضات زناشویی، افزایش طلاق، کاهش صله‌رحم، کاهش درجه رضایت از زندگی، سپردن والدین به آسایشگاه‌ها در دوران پیری و موارد مشابه، از جمله مشکلاتی است که با باورها نسبت به مسئله جنسیت، ارتباط پیدا می‌کند و در همه آن‌ها ردپایی از نقص و اشتباه در نگرش و عملکرد نسبت به کارکرد جنسیتی و مسئله زن، می‌توان یافت (شاهواروتی، ۱۳۸۷). آنجا که در اثر تفکرات و تلقینات غلط جامعه، مرد برتر از زن دانسته شود و گوهر بی‌نظیر زن، ناشناخته بماند، برای زن بودن ارزش کافی قائل نشوند و همت و هنر زنان در هر چه شبیه‌تر شدن به مردان، خلاصه گردد، خلأ و شکاف بزرگی در سیستم وجودی افراد، خانواده و جامعه ایجاد می‌گردد که با هیچ جایگزینی نمی‌توان آن را جبران کرد (بستان، ۱۳۸۸).

افزون بر موضوع شخصیت زن به‌مثابه یک انسان، تبیین هویت زن به‌مثابه یک جنس نیز، از دیگر موضوعات بحث‌انگیز در دنیای امروز می‌باشد. اگر دیدگاه سنتی غرب تأکید بر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و نقش‌های متفاوت آنان را، به بهای کم‌رنگ کردن بعد انسانی و ارزشمندی مشترک زن و مرد می‌دید، نظریه‌پردازان علوم انسانی در قرن بیستم، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه کردند. برخی از این دیدگاه‌ها مبتنی بر پذیرش تفاوت‌های طبیعی، همراه با قبول نقص در طبیعت زنانه و برخی مدافع ضرورت تفکیک نقش‌های جنسیتی با نگاهی کارکردگرایانه‌اند؛ اما از دهه ۱۹۶۰ نگرش‌های مبتنی بر برابری نقش‌ها، رفته‌رفته جای پای خود را محکم ساخته، تفاوت نقش‌ها را همچون بسیاری تفاوت‌های روانی و رفتاری، از مقوله جنسیت دانستند؛ تفاوت‌هایی که هیچ پایگاه طبیعی‌ای ندارند و صرفاً معلول عوامل تربیتی و اجتماعی‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰). از این روی، ضرورت اصلاح نگرش‌ها، با از میان بردن کلیشه‌های جنسیتی به یک شعار مهم تبدیل شد و برنامه‌های توسعه نیز در کشورها، اصلاح نگرش‌های جنسیتی را در دستور کار قرار داد. انکار نقش‌های جنسیتی به این معنا بود که اولاً ساختار خانواده که بر پای مدل عمودی و رابطه طولی پدر، مادر و فرزندان مبتنی بود و پدر را در جایگاه سرپرستی خانواده قرار می‌داد، به چالش کشیده شود و در گام نخست، الگوی دو پله‌ای که پدر و مادر را در یک رتبه و فرزندان را در رتبه بعد قرار می‌داد و سرپرستی خانواده را به طور مساوی توزیع می‌کرد، جایگزینی برای ساختار سنتی خانواده شود و در مرحله بعد، ساختار افقی دموکراسی در خانواده، که تمام اعضا را در یک خط افقی هم رتبه قرار می‌داد، پیشنهاد گردد (طباطبائی، ۱۳۸۴). در نتیجه، خانواده نه به‌مثابه نهادی منسجم که نیازمند رهبری متمرکز است، تعریف می‌شد، نه فرزندان برای رشد و تعالی خود نیازمند نظارت والدین بودند و نه انتظار می‌رفت پدر نقشی خاص در درون خانواده ایفا کند. چنان که در برخی کشورهای اروپایی، از جمله فرانسه و انگلستان، تأمین هزینه‌های خانواده

از انحصار مرد خارج شد و به طور مشترک بر عهده زن و مرد قرار گرفت.^۱ تحولات دهه-های اخیر خانواده، در کشورهای مختلف، در مجموع به سمت فاصله گرفتن از الگوی عمودی است. نقش مادری نیز در دهه‌های اخیر به منزل نقش انحصاری زنانه، آماج چالش قرار گرفته و به‌ویژه فمینیست‌ها آن را جزو کلیشه‌های جنسیتی‌ای قلمداد کرده‌اند که نظام مردسالار برای خانه‌نشین ساختن زنان آن را، نقشی مقدس وانمود می‌کند. بنابراین دیدگاه، تقسیم برابر مسئولیت مادری میان زن و مرد ضرورت می‌یابد (بستان، ۱۳۸۹).

انکار نقش‌های جنسیتی در عرصه خصوصی خانواده جایی برای پذیرش تفاوت نقش‌ها و پیگیری الگوی مشارکت اجتماعی متناسب با ویژگی‌های جنسیتی باقی نگذاشت و شاخص-های رشد و توسعه اجتماعی زنان نیز بر شاخص‌های مردانه کاملاً منطبق شد و از جمله، میزان اشتغال و احراز مناصب مدیریتی در هر کشور، بیان‌کننده وضعیت زنان آن کشور گردید (بستان، ۱۳۸۸). با نمودار شدن آثار پذیرش تشابه نقش‌ها و نادیده گرفته شدن تفاوت‌های طبیعی دو جنس، که آثار خود را در تفاوت کارکردها آشکار می‌ساخت؛ جریان انتقادی نسبتاً قدرتمندی در جهان غرب شکل گرفت. این جریان که بیشتر روان‌شناسان، متخصصان خانواده‌درمانی و منتقدان چپ‌گرا آن را هدایت می‌کنند، با بررسی نادیده گرفته شدن تفاوت‌های طبیعی دو جنس، آثار آن را بر رفتارهای زن و مرد می‌کاود و ارتباط میان آن دو را به‌ویژه در روابط خانوادگی مورد سنجش قرار می‌دهد، چنان که مشکلات جسمی و روانی زوج را حتی در روابط جنسی، بر پای الگوی مبتنی بر تفاوت‌ها، تحلیل و به پیامد نادیده گرفتن نقش پدری و مادری و به تأثیرات ناشی از نادیده گرفتن نقش‌های خانگی در کنار نقش‌های اجتماعی بر فرزندان، توجه می‌کند (سادات مستقیمی، ۱۳۸۵).

بررسی‌ها نشان می‌دهد حدود یک سوم ازدواج‌ها در پنج سال اول با شکست مواجه می‌شوند. با مراجعه به پایگاه سازمان ثبت احوال برای دریافت آمار طلاق برای سال ۱۳۷۵ تعداد

۱- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۳). هویت‌یابی مستقل. فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۷۱

۳۷۸۱۷ و برای سال ۱۳۹۱ تعداد ۱۵۱۴۴۵ فقره طلاق در سال مواجه می‌شویم، به عبارت دیگر روزانه (به غیر از تعطیلات) به طور میانگین تعداد ۱۳۰ فقره طلاق در سال ۷۵ و تعداد ۵۰۵ فقره طلاق در سال ۹۱ در کشور به ثبت رسیده است، آماری که سالیانه رشد فزاینده‌ای دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که نسبت قابل توجهی از مردم جامعه به نوعی در خانواده خود دچار تعارض زناشویی هستند. این تعارض‌های ناراحت کننده می‌توانند باعث بی‌ثباتی در رابطه زناشویی شوند و رابطه زناشویی را به شدت تحت تأثیر قرار دهند (مرکز آمار ملی سلامت، ۱۹۹۱، به نقل از بیورز و هامپتون، ۲۰۱۰).

می‌توان گفت دیدگاه‌های جنسیتی در ایجاد تفاوت‌های نقشی میان زوجین و در نتیجه بروز تعارضات تأثیر بسزایی دارند؛ بنابراین در ازدواج باید فرض را بر این گذاشت که بروز تعارض جزئی از رابطه زناشویی و زندگی مشترک است، زن و شوهر باید با توجه به دیدگاه‌های جنسیتی چگونگی حل این تعارض‌ها را بیاموزند تا بتوانند کیان خانواده خود را حفظ کنند (گاتمن و نوتاریوس^۱، ۲۰۱۱).

اکثر پژوهش‌های روان‌شناختی که در زمینه ازدواج صورت گرفته‌اند، به منظور کمک به زوج‌های دچار مشکلات زناشویی طراحی شده‌اند. طی ۳۰ سال گذشته مسئله تعارض زناشویی در گستره این گونه مطالعات و در ادبیات موجود در زمینه ازدواج جایگاه ویژه‌ای یافته است (فینچام، بیچ و داویلا^۲، ۲۰۰۴، به نقل از کاظمیان، ۱۳۹۱). در جامعه ما که از سنت به مدرنیته در حال گذر است تعارضات فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی می‌توانند از عوامل تشدید تعارضات زناشویی باشند. لذا تحقیق در مورد کارایی شیوه‌های گوناگون درمان و تطبیق آن‌ها با جامعه و فرهنگ خودمان می‌تواند ابتدای راه باشد (شاهواروتی، ۱۳۸۷). این خلأ در رویکردهای درمانی مورد استفاده در کشور ما نیز وجود دارد که بدون توجه به زیربنا و مبانی فلسفی این رویکردها، اقدام به استفاده از آن در درمان تعارضات زوجین می‌شود. درحالی که با فرهنگ و بافت

۱-Gottman, J. M. & Notarius, C. I

۲-Fincham, D , Beach, R. H. Davila, J

اعتقادی مردم کشور ما مناسب نیستند. امروزه ضرورت توجه به مبانی نظری به‌ویژه دیدگاه‌های جنسیتی و بازتاب آن در سلامت روانی-اجتماعی بیش از گذشته برای دانشمندان احساس می‌شود. از آنجا که فرهنگ غالب جامعه ما، اسلامی است، لذا ضرورت انجام چنین پژوهشی برای شناخت آسیب‌شناسی کارکردهای جنسیتی از دیدگاه قرآن دوچندان می‌شود.

همان‌طور که گفته شد و با توجه به مفاهیم قرآن؛ بخشی از تعارضات به دلیل باور نداشتن یا کم بها دادن به تفاوت‌هایی است که خالق هستی از روی حکمت، بین زن و مرد قرار داده است. این تفاوت‌ها در ابعاد جسمی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، وظایف، کارکردها و نقش‌ها وجود دارند. زن و مرد به تنهایی ناقص‌اند و همه نیازهای خود و جامعه را به تنهایی نمی‌توانند پاسخگو باشند و خداوند با ایجاد تفاوت‌هایی بین آن‌ها، ایشان را مکمل هم آفریده است تا نیازهای خود و جامعه را در تعامل با هم برآورده ساخته، در کنار هم خود و جامعه را به تعالی برسانند. زن و مرد مشترکات فراوانی دارند که مربوط به بعد و ارزش انسانی آن‌ها می‌شود؛ اما در کنار همانندی‌ها، تفاوت‌هایی در خلقت جسمانی، روانی، عاطفی و به دنبال آن، تفاوت‌هایی در استعدادها، نیازها، خواسته‌ها، اهداف، وظایف و نقش‌های محول شده به آن‌ها وجود دارد. کمال هر مخلوقی، در شکوفا شدن و پرورش استعدادهای نهفته در همان است. لذا کمال یک مرد و یک زن لزوماً در یک موقعیت مشابه و یکسان به دست نمی‌آید، بلکه بعضی از موقعیت‌ها در مورد دو جنس باید به طور جداگانه و گاه متفاوت اما هماهنگ با هم طراحی شود و در طرح آرمان‌های مربوط به هر یک، باید همه ابعاد و آثار وجودی آن‌ها در بعد فردی و اجتماعی در نظر گرفته شود و نوعی نگرش سیستمی در این مورد لازم است تا خطا، اشتباه و آسیب به حداقل ممکن برسد (شاهواروتی، ۱۳۸۷).

یافته‌ها

به طور کلی می‌توان گفت حل تعارضات زناشویی در خانواده‌های ایرانی با توجه به بافت فرهنگی، مذهبی و اعتقادات منبعث از دین اسلام و مذهب تشیع تا حدود زیادی به گونه‌ای

دیگر از سایر جوامع می‌باشد. از آنجا که در جامعه ما سنت‌ها و باورهای دینی مانع بروز طلاق در بیشتر ازدواج‌هاست (کریمی، ۱۳۸۷). در این راستا مهم‌ترین متون دینی اسلام یعنی قرآن که سرشار از توصیه‌های کارآمد و متناسب با عصر حاضر در باب کلی‌ترین مسائل خانواده تا جزئی‌ترین موارد آن است، مورد توجه قرار گرفت. از دیدگاه قرآن، با بررسی آیات در مورد جنسیت مرد و زن، با معرفی حالات انبیاء، پرهیزگاران و مؤمنان و با ارائه الگوهایی از زندگی انبیاء، زنان و مادران آنان، نقش جنسیت ایشان در ایفا وظایف و استیفای حقوق، تربیت درست انسان و سعادت و شقاوت وی در دنیا و آخرت مطرح می‌شود. به‌طور کلی می‌توان نگرش اسلام به جنسیت را در این مقوله‌ها ذکر کرد:

۱- خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: برای مردان و زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای و سهمی و حقی است (نساء، ۳۲)؛ یعنی همان‌گونه که مردان اگر چیزی تحصیل کنند و مزدی بگیرند، مالک آن می‌شوند، زنان نیز اگر اموالی کسب کنند و مزدی به‌دست آورند، مالک آن خواهند بود. این آیه شریفه، افزون بر پذیرش حق مالکیت برای زنان، جواز اشتغال و اجازه کار برای آنان را همانند مردان اثبات می‌کند؛ زیرا در این آیه کریمه، حلال بودن تحصیل درآمد، مفروض گرفته شده و درباره حق مالکیت زن و مرد، اظهارنظر شده است. همچنین در قرآن کریم از دختران پیامبر خدا حضرت شعیب (ع) یاد شده است که به شغل چوپانی اشتغال داشته‌اند (قصص، ۲۳) و مذمتی نیز نشده است. برحسب روایات نیز زنان چندی در زمان پیامبر و امامان معصوم (ع) در شغل‌های گوناگونی همچون تجارت^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۹)، صنایع دستی^۲ (الطبرانی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۲۶۵ و ۲۶۴)، ریسندگی و بافندگی^۳

۱- حضرت خدیجه دختر خویلد که بعداً همسر گرامی پیامبر اسلام گردید، به تجارت مشغول بود و کارگران زیادی برایش کار می‌کردند و از جمله حضرت محمد قبل از پیامبری، مدتی برای خدیجه فعالیت اقتصادی داشتند.

۲- زنی خدمت پیامبر گرامی اسلام آمد و عرض کرد: من زنی هستم که صنایع دستی انجام می‌دهم و از درآمد آن به همسر و فرزندانم کمک می‌کنم. حضرت فرمودند: در این کار و عمل شما اجر و پاداش دارد.

۳- قال رسول الله فی کلام کثیر: نعم اللهو المغزل للمرأة الصالحة. علی (ع): انّه الغزل احلّ الکسب.

(حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۳۶)، آرایشگری^۱ (همان، ص ۱۳۱)، خدمات خانگی^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۲۴۷ و ۲۴۶) و امثالهم فعالیت می کرده‌اند و به زنان اجازه داده شده بود در این قبیل کارها به فعالیت بپردازند. خلاصه اینکه در آموزه‌های قرآنی منعی برای اشتغال زنان در محیط‌های سالم و بدون آسیب، مشاهده نشده و البته توصیه و تشویق خاصی نیز نسبت به اشتغال زنان در متون دینی مشاهده نمی‌شود. در آموزه‌های دینی به گونه‌ای تدبیر شده که زن تا حد امکان ملتزم به خانه و خانواده باشد^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۲). در امور داخلی منزل اشتغال داشته باشد. در آموزه‌های دینی با ایجاد بسترهای مناسب و تشویق‌های متعدد، تلاش شده تا زن در امور خانواده مشغول باشد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۵) و تا ضرورتی پیشامد ننموده، به اشتغال بیرونی نپردازد. لذا در اسلام، از یک سو، نفقه زن را بر شوهر واجب کرده و زنان را از مسئولیت اقتصادی در برابر خانواده معاف نموده است؛ از سوی دیگر، اهتمام اسلام به کاهش اختلاط جنسی در سطح جامعه و تأکید بر نقش مادری و همسری زنان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۱۷) زمینه فرهنگی مناسب را برای تقسیم کار جنسیتی فراهم کرده است، به این صورت که زنان عمدتاً به سوی فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری سوق داده شده و مردان مشاغل بیرون از خانه را به عهده گرفته‌اند (به نقل از پناهی، ۱۳۹۴).

۲- از جمله وظایف و تعهدات مرد که بعد از عروسی و ازدواج به عهده‌اش می‌آید نفقه است. نفقه از وظایف ویژه مرد بوده و از حقوق قطعی زن می‌باشد. نفقه از چیزهایی است که علاوه بر وجوب شرعی و الزام دینی، از نظر قانونی نیز بر مرد لازم و واجب است؛ یعنی نفقه

۱- در روایاتی که درباره آرایشگری آمده و سؤالاتی که در این باره از پیامبر گرامی شده، هیچ منعی نشده است و آرایشگری مجاز شمرده شده است.

۲- در احادیثی که در این باره آمده، اجازه داده شده تا در صورت نیاز مادی، زن بتواند در خانه دیگران خادمی کند و خدمات داشته باشد و مزد بگیرد (مثل لباسشویی، پاک کردن شیشه، مریض‌داری و غیره).

۳- قال الصادق: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُؤَارِي عَوْرَتَهُ وَ سَوْءَ خَالِهِ مِنَ النَّاسِ، وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

علاوه بر پشتوانه شرعی از پشتوانه حکومتی و قضایی نیز برخوردار بوده و چنانچه مردی نفقه واجب همسر خود را نپردازد، قانون او را وادار به این کار خواهد کرد. (محقق داماد، ۱۳۷۴، ص ۲۹۰).

۳- زن و مرد در ارزش انسانی برابرند: سه ویژگی انسانی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقا و کمال را دارند (توبه/۷۲). زن برای کمال‌یابی مرد خلق نشده است، بلکه هر دو برای کمال‌یابی خلق شده‌اند، همه انسان‌ها، خواه زن یا مرد از یک ذات و گوهر خلق شده‌اند و مبدأ قابل‌آفرینش همه افراد یک چیز است.

۴- زن و مرد دو جنس مکمل هستند: قرآن کریم در آیاتی (اعراف/۸۹ و روم/۲۱) که آرامش زن و مرد را بیان کرده است، اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده است و او را در این امر روانی اصل دانسته و مرد را مجذوب مهر زن قرار داده است تا در کنار آن همسران آرامش گیرند (روم/۲۱).

۵- زن و مرد تشابهات جسمانی و روانی دارند: زن و مرد در ویژگی‌های جسمی مثل دستگاه گردش خون، دستگاه عصبی، دستگاه تنفسی و زیر مجموعه‌های آن‌ها کاملاً مشابه هستند. اگر قرآن ویژگی‌هایی مثل عجز، ضعف، خداجوی فطری و امثالهم را به انسان نسبت می‌دهد، برای هر دو جنس است. اگر قرآن وعده پاداش و بهشت و جهنم می‌دهد، برای هر دو جنس است و اگر جسم انسان با مرگ از بین می‌رود و روح او باقی می‌ماند برای هر دو جنس است.

۶- بر اساس تشابهات در بسیاری از وظایف نیز مشترک هستند: ممنوعیت در اموری مثل مصافحه (دست دادن به هم)، نگاه شهوت‌آمیز، بوسیدن نامحرم و مواردی از این قبیل، برای هر دو جنس است. قرآن هم از رفتار مریم (س) تمجید می‌کند که چون نگاهش به جبرئیل افتاد که مانند آدمی راست قامت بر او ظاهر شد (مریم/۱۷) و مریم او را شناخت و از فرط ناراحتی گفت: من از تو (اگر پرهیزکار باشی) به خدای رحمان پناه می‌برم (مریم/۱۸)؛ و هم رفتار

یوسف (ع) را می‌ستاید که در مقابل زلیخا خود را تبرئه نکرد چرا که می‌دانست نفس انسان پیوسته به بدی فرمان می‌دهد (یوسف/۵۲).

۷- زن و مرد تفاوت‌های جسمانی و روانی مشخصی دارند: تفاوت‌های بزرگ هر کدام زاویه‌ای باز می‌کند که در نهایت به تفاوت‌های رفتاری متعددی می‌انجامد. بارداری، به دنبال خود حس مادری، شیردهی و فرزندپروری را دارد. بر اساس این تفاوت‌ها، یک سری تفاوت‌های رفتاری برای زن نسبت به مرد و مرد نسبت به زن ضروری به نظر می‌رسد.

۸- تفاوت در وظایف به تناسب ویژگی‌های جسمانی و روانی آن‌ها است: جلال زن در جمال او نهفته است و جمال مرد در جلال او تجلی می‌یابد و این توزیع، رهنمود و دستورالعملی است برای هر کدام از آن‌ها (جوادی آملی، ۱۳۷۷).

بحث و نتیجه‌گیری

زن و مرد به لحاظ عقلی، عاطفی، جسمانی، مهارت کلامی، ویژگی مراقبتی، دلسوزی (ماتلین، ۲۰۰۸) تفاوت قابل توجهی با یکدیگر دارند و این تفاوت‌ها در واگذاری نقش‌های زنانه و مردانه مورد ملاحظه بوده‌است. علامه طباطبایی اعتقاد دارد که مرد دارای حیات تعقلی و زن دارای حیات احساسی است و علت سرپرستی مردان بر زنان به دلیل برتری نسبی مردان در قوای عقلی است (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۷۵ و ج ۴ ص ۳۴۳ و ج ۱۸ ص ۱۴۱). ایشان همچنین به تفاوت زن و مرد در دو حوزه نظری و عملی اشاره کرده و آن را پذیرفته‌اند و به برتری مردان در مدیریت خانواده اشاره کرده‌اند (همان، ج ۲، ص ۲۷۵ - ۲۷۱). البته علامه - طباطبایی این نکته را نیز تذکر داده‌اند که آن عقلی که در مرد بیش از زن است، فضیلتی زائد است، نه معیار فضل و برتری ارزشی (همان، ج ۴، ص ۳۴۳). مصباح‌یزدی معتقد است که زن در استعداد عقلی با مرد یکسان است اما به دلیل آنکه زن از نظر طبیعی دارای عاطفه و احساسات بیشتری است، کارکرد عقلی تا حدودی تضعیف می‌گردد لذا دلیل برتری مردان در قدرت تعقل به دلیل ضعف دشمنان عقل در مردان و قوی بودن دشمنان عقل (احساسات زیاد)

در زنان است نتیجه اینکه به هر حال یا به واسطه قدرت بیشتر تعقل مرد (چنانچه بعضی قائل‌اند) یا به جهت نبود مزاحم و دشمن بر سر راه عقل، مردان از تعقل و تدبیر بیشتری بهره‌مند هستند و همین سبب تفاوت‌هایی در حقوق و تکالیف زن و مرد می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰). مکارم شیرازی (۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۸۷) و محمدحسین فضل‌الله (۱۴۲۱ ق) نیز نظری همانند مصباح یزدی دارند. به اعتقاد مک‌کابی و جک‌لینز^۱ (۱۹۷۴) برتری زنان در توانایی کلامی یکی از شاخص‌ترین تفاوت‌های جنسیتی است (خسروی، ۱۳۸۲، ص ۵۰). هالپرن (۱۹۹۲) معتقد است که دختران توانایی کلامی را با سرعت بیشتر و کیفیت بهتری در مقایسه با پسران کسب می‌کنند. در واقع تفاوت‌های مربوط به جنس در توانایی‌های کلامی از زمانی که کودکان شروع به صحبت می‌کنند آغاز می‌شود و این برتری دختران در مدت تحصیل نیز حفظ می‌شود. آلرد^۲ (۱۹۹۰) بر این عقیده است که اغلب تحقیقات بر برتری دختران در زبان و ادبیات تأکید دارند و دختران، زودتر از پسران شروع به خواندن می‌کنند و کمتر به مشکلات خواننده مبتلا هستند. بر اساس تصورات کلیشه‌ای قدیمی نیز، زنان می‌توانند ساعت‌ها حرف بزنند و مهارت کلامی بهتری دارند. بر اساس تحقیقی که در آمریکا انجام گرفت مشخص گردید که زنان در توانایی کلامی و حافظه برتری دارند و مردان در مهارت‌های فضایی و ریاضی. تحقیقات همچنین مشکلات زبانی و ناتوانی خواندن را در پسران، بیشتر از دختران گزارش کرده‌اند (دی. اف. هالپرن^۳، ۲۰۰۰، نقل از ماتلین، ۲۰۰۸، ص ۱۵۳، به نقل از پناهی، ۱۳۹۴).

مطالعات مبتنی بر جنسیت در سایر فرهنگ‌ها نیز تفاوت نقش‌ها و عملکردهای جنسیتی زنان و مردان را مورد تأکید قرار داده‌اند. یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد که آموزش زنان نقش مهمی در توسعه انسانی دارد، بلکه توسعه جنسیتی را نیز بهبود می‌بخشد به طوری که توان‌مندسازی زنان عمدتاً به لحاظ آموزشی و بهداشتی، موقعیت زنان بر حسب مشارکت‌های خانوادگی را تقویت نموده و بر رضایت و ثبات زندگی می‌افزاید (محسنی، ۱۳۸۹).

۱- Mc Kaby and Jack Linz

۲- Allred.

۳- D.F.Halpern

با توجه به ویژگی‌هایی از قبیل عاطفی بودن و آرامش‌گری (اعراف، ۱۸۹، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۵) که در آموزه‌های دینی برای زنان معرفی شده و با توجه به وظایف محول شده به زنان که البته این وظایف تشویق نیز شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۵)، می‌توان ادعا کرد که زنان در بُعد پرورش و مراقبت، توانایی بیشتری دارند و علاقه بیشتری نیز در این رابطه نشان می‌دهند (پناهی، ۱۳۹۴).

نتایج مطالعات سامانی و رضویه (۱۳۸۶) نشان داد که جنسیت، همبستگی عاطفی و بعد فردیت، در استقلال عاطفی از موثرترین متغیرهای مربوط به میزان مشکلات عاطفی به حساب می‌آیند. این مطالعه، همچنین نشان داد که جنسیت، عاملی موثر بر میزان بروز مشکلات عاطفی بوده و زنان در دریافت و ابراز احساسات، قوی‌تر و دقیق‌تر از مردان عمل می‌کنند.

الگویی که آموزه‌های اسلامی در زمینه دخالت‌های عاطفی اعضای خانواده می‌دهد، الگوی مسئولیت سرپرست خانواده نسبت به سایر اعضای آن است (تحریم/۶). مرد به عنوان سرپرست خانواده وظیفه دارد خود و اعضای خانواده را در جهت رشد متعادل و کمال انسان کمک کند و از مسائلی که موجب اختلال در کارکرد خانواده می‌شود جلوگیری نماید (نعیمی، ۱۳۹۲).

در آموزه‌های دینی نیز روایاتی دال بر عاطفی بودن زن وجود دارد. همچنین اندیشمندان اسلامی نیز با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی بر این باورند که احساسات و عواطف در زنان قوی‌تر است. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «چه خوب‌اند فرزندان دختر. اهل ملاحظت (عواطف)، کمک‌کننده و یاری‌دهنده، انس‌گیرنده، باخیر و بابرکت و اهل پاکیزگی» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۳۶۲). امام صادق (ع) می‌فرماید: «حضرت ابراهیم از خداوند دخترانی خواست تا پس از مرگش بر او بگریند و عزایش را گرم و پرشور نگاه دارند» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۳۶۱). شاید یکی از علل آرامش‌گری زن، بروز و ظهور عواطف قوی در او هست که در قرآن کریم زن را عامل آرامش‌گری (اعراف، ۱۸۹) معرفی نموده است. در قرآن کریم، ضمن اینکه مرد و زن را آرامش‌گر یکدیگر (روم، ۲۱) می‌داند، بر جایگاه آرامش‌گری زن برای مرد و خانواده تأکید بیشتری نموده (اعراف، ۱۸۹) است (پناهی، ۱۳۹۴).

شرایط روحی و روانی متفاوت در زنان و مردان ایجاب می کند که در رفتار همسری به ویژه در سیره اهل بیت علیهم السلام، قول، فعل و تقریرهایی باشد که به این ویژگی ها، توجه شده باشد. به عنوان نمونه امام علی (ع) به دلیل لطیف بودن روح و جسم زنان، مردان را از واگذاری کارهای دشوار بر عهده زنان، برحذر داشته و می فرماید: *فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَكَيْسَتْ بِقَهْرَمَانَةٍ* (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۰). امام صادق علیه السلام نیز به دلیل عاطفی بودن زنان می فرماید: «قول الرجل لامرأته إني احبك لا يخرج من قلبها أبدا» این جمله مرد به همسرش که دوستت دارم، هیچ وقت تا ابد، از قلب زن خارج نمی شود (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰). پناهی (۱۳۹۴) اعلام می دارد در سبک همسرمداری اهل بیت علیهم السلام به تفاوت ها و ظرفیت های زن و مورد توجه شده و در واگذاری نقش ها، مورد توجه قرار گرفته است. زوجین مسئولیت پذیرتر می توانند به ایجاد روابط نزدیک و صمیمانه میان اعضای خانواده و حل تعارضات خانواده کمک کند. تأکید قرآن کریم بر این است که در یک خانواده سالم؛ هر دو جنس زن و مرد به طور یکسان در مقابل اعمال نیک و بد خود مسئول بوده و متحمل عواقب کار خود می شوند (حجرات/۱۲ و ۱۱)، (همزه/۱)، (توبه/۸۰ و ۷۰)، (بقره/۲۲۶)، (بقره/۲۸۶)، (بقره/۲۴۲)، (نساء/۱۷).

در قرآن کریم، در این زمینه به مقولات عقل و عاطفه (احزاب ۲۸/نساء ۱۲۷/روم ۲۱/آل عمران ۱۹۵/اعراف ۲۸)، گرایش به حقیقت جویی و گرایش به یافتن آگاهی (تغابن ۱۵/اعراف ۲۹)، پرهیزگری و کنترل خود (تقوا) (حجرات ۱۳)، ظرفیت آفرینشی (نحل ۹۷)، برتر خواهی (تقرب الهی) (یونس ۶۵/انعام ۶۷) و معنویت جویی اشاره نموده است (یونس ۶۵/رعد ۲۸).

از ابعاد تربیتی ازدواج، پرورش جمال در مرد و تعدیل جلال در او و پرورش جلال در زن و تعدیل جمال در او است. مرد، مظهر جلال الهی است؛ لذا در او رفتارهای هیبت و قاطعیت و استواری کاملاً مشهود و محسوس است. این جلال الهی نه تنها در تکوین نفسی او-اعم از

اندیشه و اخلاق و رفتار او- غالب و مشهود است بلکه در تکوین بدنی او هم مشهود است. بدن مرد از استحکام و قوت و قدرت برتر برخوردار است.

یافته‌های پژوهش داینر، سندویک، پاوت و فوجیتا^۱ (۲۰۱۲) نشان داد مغز انسان دو بخش خاکستری و سفید دارد که بخش خاکستری آن مربوط به رفتارهای جلالی و عقلانی است و بخش سفید آن مربوط به رفتارهای جمالی و عاطفی و احساسی است. بخش خاکستری مغز در مرد بیشتر است از بخش سفید آن. این یک منشأ جسمی برای غلبه رفتارهای جلالی و عقلانی مرد بر رفتارهای عاطفی و احساس او است. جلال الهی در مرد نمایان است و اگر این جلال تعدیل نشود، مرد موجودی بسیار خشن خواهد شد که به مراتب بیشتر از حیوانات درنده دچار خشونت می‌شود و این خود منشأ فساد عظیمی در زمین خواهد بود. زن هم مظهر جمال الهی است یعنی در تکوین نفسی زن -اعم از اندیشه و اخلاق و رفتار- جمال و مهر و عطوفت و احساسات ظاهر و غالب است و این جمال الهی از تکوین نفسی او تعدی کرده و در تکوین جسمی او هم ظاهر شده است.

همچنین داینر، سندویک، پاوت و فوجیتا در پژوهش خود نشان دادند که بخش سفید مغز زن نسبت به بخش خاکستری آن بیشتر است و این یک منشأ بدنی است برای احساسی بودن زن و غلبه رفتار عاطفی و جمالی بر رفتار جلالی و عقلانی در او (داینر، سندویک، پاوت و فوجیتا، ۲۰۱۲). عرضه انواع مظاهر جمال زن بر مرد برای پرورش و ترمیم جمال در مرد است؛ بنابراین ازدواج زمینه‌ساز پرورش مهر و عطوفت رفتاری در مرد و پرورش رفتار و اخلاق جلالی و عقلانی و تعدیل عواطف و احساسات در زن است. وقتی عقل‌گرایی خشک در مرد با مهرورزی زن تعدیل شود و عاطفه‌گرایی زن با عقل‌گرایی و عقل‌مداری مرد تعدیل شود، انسان در مقام اعتدال قرار می‌گیرد و اندیشه‌ها و اخلاق و رفتار معتدل تولید می‌کند و این امر هم خود در کاهش تعارضات زناشویی و افزایش رضایت از زندگی تأثیر بسزایی دارد.

۱- روان‌شناسی اختلاف، حمزه گنجی.

با رعایت حقوق متقابل، بسیاری از درگیری‌ها و اختلافات بین زن و شوهر کاسته شده و به تدریج پایه‌های خانواده محکم می‌شود. هر یک با رعایت وظیفه خود و توجه به نیازهای طرف مقابل، باهدف استحکام خانواده، حل تعارضات را موجب می‌شوند. در قرآن به این مطلب اشاره شده که زنان و مردان در انتخاب همسر و تشکیل خانواده آزاد و مستقل از یکدیگرند. همچنین به این مطلب اشاره کرده که دامنه استقلال و آزادی مردان و زنان پس از تشکیل خانواده تا آنجایی گسترده است که به حق همسر لطمه‌ای نزده و برایش مزاحمتی نداشته باشد (احزاب/۳۶)، (بقره/۲۳۳)، (نور ۲۹-۲۷).

قرآن صراحتاً به این امر صحنه می‌گذارد که حقوق صرف نمی‌تواند در محیط خانواده به طور شایسته حکم‌فرمایی کند. حقیقت وجودی خانواده با احکام آمرانه سازگاری ندارد و حقوقی کردن اخلاق هم راه به جایی نمی‌برد بلکه باید در بستر یک پیوند ناگسستنی و معنوی، حقوق و اخلاق توأمان در کنار هم در جامعه فراهم گردد و به این نکته توجه شود که نبود هر یک موجب خلأ و نقصان روابط خانوادگی می‌گردد. در محیط خانواده نمی‌توان قواعد حقوقی و اخلاقی را از هم جدا ساخت.

در مجموع با شناخت دقیق از زن و مرد و بررسی منابع تعارض (ارتباطی، عاطفی، اجتماعی، مذهبی، زیستی) به نظر می‌رسد که عمدتاً حاکمیت اخلاق است که می‌تواند الگوهای منطقی رفتار را فارغ از جنسیت، بر فرد حاکم کند و با نگرش‌های حقوق سالارانه، نمی‌توان عطف و محبت را به درون خانواده‌ها کشاند.

در نهاد خانواده، مرد سرپرست و موظف به رعایت مصلحت خانواده، تأمین معاش خانواده و فراهم کردن وسایل آرامش و آسایش همسر، حسن معاشرت با همسر، سعی در تربیت فرزندان و رعایت حریم دیگر خانواده‌هاست. همسر نیز ضمن تربیت تعالی شخصیت فرزندان، موظف به اطاعت از مرد در حریم زناشویی و همکاری با همسر در امور مهم خانوادگی است. فرزندان نیز ضمن برخورداری از حقوق فراوان، موظف به رعایت، دستورات والدین هستند (بحارالانوار، ج ۷۴)؛ بنابراین مسئولیت و شأن هر یک از اعضای خانواده با توجه به ویژگی‌های

جنسیتی در مقوله ازدواج (روم/۲۱- بقره/۲۳۷ و ۲۳۶- بقره/۲۴۱- نساء/۴- نساء/۱۹)، خانوادگی (خانواده و فرزندان) (شوری/۵۰- نساء/۱۹- نساء/۳۴- انعام/۱۵۱- تحریم/۶- کهف/۴۶- معارج/۲۸- آل عمران/۱۴- کهف/۷) کاملاً مشخص شده‌اند.

در قرآن به صراحت اشاره شده که زنان نیز می‌توانند در جامعه نقش الگویی داشته باشند و رعایت اخلاقیات، پوشش مناسب، نماز و زکات (ارتباط با خداوند و مخلوقات خداوند) در پر رنگ نمودن نقش الگویی آنان بسیار تأثیرگذار است (آل عمران/۱۹۵)، (نساء/۲۵)، (نساء/۱۱ و ۱۲)، (نساء/۷۱)، (نساء/۷۵ و ۷۴)، (نساء/۱۲۷)، (احزاب/۲۸)، (احزاب/۳۲)، (احزاب/۵۹)، (اعراف/۲۸)، (نور/۳۱)، (نور/۵۸)، (نور/۶۰). مقام اجتماعی و معنوی زن و مرد یکسان است و در صورتی که در مسیر اعمال صالح گام بردارند دارای حیات طیبه خواهند بود و تنها از نظر ایمان و عمل صالح بر دیگری برتری دارند (رعد/۲۸)، (نحل/۹۷)، (یونس/۶۵-۶۳).

کاظمیان (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود دریافت که؛ زوجین شرکت کننده در پژوهش، معنویت را محور و اساس تصمیم‌گیری‌های فردی و خانوادگی خود می‌دانستند. آن‌ها معتقد بودند زندگی معنوی می‌تواند تمامی ابعاد زندگی آن‌ها را تحت الشعاع قرار دهد. در پژوهش وی نشان داده شد که اعتقاد به خدا مرجع تصمیمات زوجین مورد آزمون بوده و تمامی اعمال و رفتار اعضای خانواده را جهت می‌بخشد و در این رابطه تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد.

مرد یا زن مؤمن که براساس تعالیم اسلام پرورش یافته است همواره مراقب اعمال و رفتار خود می‌باشد و سعی می‌کند کلیه حرکات و سکانات خود را براساس دستورات الهی تنظیم نماید لذا در بحث جنسیت نیز به حقوق و تکالیف خود آشنایی کافی داشته و بر محور دیدگاه-های خالق هستی در مسیر ارائه شده گام برمی‌دارد. به همین دلیل است که از افراط و تفریط به دور بوده و در واقع یک تنظیم کننده و یک ناظر درونی او را هدایت می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر از آن جهت که مذهب محور به مسائل توجه شده همسو هستند با یافته‌های مطالعه بویاتزیس (۲۰۰۵)، در پژوهشی دریافت؛ معانی، ادراکات و باورهای مذهبی و معنوی، پایه رفتارها و تصمیمات و چگونگی گذران زندگی در افراد مذهبی را تشکیل می‌دهد.

بلانک (۲۰۰۱) در مطالعه خود همسو با یافته‌های مطالعه فعلی در طی مصاحبه با خانواده‌های مذهبی دریافت مذهب منبع هدایت در زندگی خانوادگی این افراد بوده و راهنما و ساختار خانواده را تشکیل می‌دهد. مذهب برای زنان و مردان اهمیت یکسانی دارد و به گونه‌ای برابر زندگی آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و بر انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان تأثیر می‌گذارد.

اکثر زنان همواره بیش از آن‌که مجذوب امکانات باشند، مجذوب افراد هستند. آن‌ها عاشق روابط مستحکم و درازمدت هستند. برای زنان، آرمان زناشویی، یعنی یک مرد و یک زن که از نظر جسمی و روحی به یکدیگر وابسته، در خوب و بد روزگار با یکدیگر شریک، موجب آسایش یکدیگر و در تعامل مداوم باهم قرار داشته باشند. این چشم‌انداز شامل رابطه جنسی عاشقانه و از سر تعهد همراه با داشتن فرزند و همراه خانواده بودن است (استیون^۱، ۲۰۰۴). در یک مطالعه ملی بر روی زنان در سال ۱۹۹۷ که توسط مرکز پژوهشی پیو^۲ انجام گرفت، معلوم شد ۹۳ درصد مادران، در تمام یا بیشتر اوقات، کودکان خود را و مراقبت از آنان را منبع خوشبختی می‌دانند. در یک مقیاس ۱۰ رتبه‌ای، ۸۶ درصد مادران به فرزندان خود به لحاظ اهمیت آنان در سعادت فردی خود، رتبه ۱۰ می‌دهند، در حالی که تنها ۳۰ درصد زنان شاغل به شغل خود رتبه ۱۰ می‌دهند. حتی احتمال دارد زنان ازدواج نکرده و بدون بچه نیز ارتباطات فردی با مادران (۳۱ درصد) یا با دوستان (۲۴ درصد) را برای خوشبختی خود مهم‌تر از شغل (۱۱ درصد) یا سرگرمی‌ها (۱۰ درصد) بدانند (بومن^۳، ۱۹۹۸، ص ۲۴، به نقل از استیون، ۲۰۰۴). همچنین در یک نظرسنجی در سال ۱۹۹۸ این نتیجه به دست آمد که حدود پنج ششم از مردان و زنانی که مورد نظرسنجی قرار گرفته بودند، فکر می‌کردند تغییر نقش‌های جنسیتی، موفقیت ازدواج‌ها را دشوارتر کرده، در حالی که یک ششم فکر می‌کردند آن را آسان‌تر کرده است. حدود شش هفتم از افراد نظرسنجی شده فکر می‌کردند تغییر نقش‌ها، بزرگ کردن کودکان را

۱- Steven

۲- Pew Research Center

۳- Bowman

دشواری‌تر کرده، در حالی که یک هفتم فکر می‌کردند آن را آسان‌تر کرده است. تحقیقات ثابت کرده که زنان شاغل پاره وقت، بیش از زنان شاغل تمام وقت، از کار و فرزندان خود احساس رضایت می‌کنند؛ شاید به این علت که چنین زنانی معمولاً خود را نان‌آور دوم می‌دانند و به این ترتیب بیش از شوهران خود قادر به چشم‌پوشی از مشاغل پردرآمد در ازای کار در محیط دوستانه‌ای هستند که از آن لذت می‌برند (برون، ۲۰۰۲، ص ۱۷۴). پژوهش‌ها نشان داده که هنگامی که زنان ساعت‌های طولانی کار می‌کنند یا مشاغل پرمسئولیت دارند، کیفیت زندگی زناشویی افت می‌کند (آماتو^۱، ۲۰۰۳ به نقل از پناهی، ۱۳۹۴).

زنان، مریبان هر خانواده و جامعه‌ای هستند. آنان علاوه بر ویژگی‌ها و نقش‌های مشترک با مردان، ویژگی‌ها و در نتیجه نقش‌های تخصصی مربوط به جنسیت خود را دارند که توانایی ایفای این نقش‌ها برای جنس مرد، به این اندازه و کیفیت وجود ندارد، لذا همه اقشار به‌خصوص خود زنان، باید از دانش کافی در مورد زن و نقش‌های مهم او از جمله: دختری، خواهری، همسری، مادری و زنی در میان مردم و جامعه، بهره‌مند باشند (طباطبائی، ۱۳۸۸). پیش‌زمینه لازم برای این کار آن است که ویژگی‌ها، وظایف و نقش‌های زنان را به‌طور کامل با مردان یکسان ندانسته و مقایسه نکنند. این نگرش باید به‌طور همزمان و هماهنگ، هم در مردان و هم در زنان، یعنی در کل افراد جامعه ایجاد شود، اگرچه خودشناسی و خودباوری در زنان که مریبان و فرهنگ‌سازان جامعه هستند، درجه اهمیت بالاتری دارد (طباطبائی، ۱۳۸۷). لذا به نظر می‌رسد، لازم است به‌طور دقیق، مسئله وجود تفاوت‌ها بین زن و مرد در ابعاد مختلف جسمانی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی شود و ویژگی‌های زنان و متناسب با آن، نقش-های خاص زنان معرفی گردد و ساز و کارهای مناسب برای آموزش و عمل به این دانش‌ها در جامعه، از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی اجرا گردیده و قوانین کشور متناسب با حقایق موجود در این زمینه اصلاح شود.

۱. Amato

منابع

قرآن کریم

- الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- بستان، حسین. (۱۳۸۹). نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان، حسین. (۱۳۸۲). نابرابری و ستم از دیدگاه اسلام و فمینیسم، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بستان، حسین. (۱۳۸۸). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پناهی، علی احمد. (۱۳۹۴). جوان و مسجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). زن در آئینه جلال و جمال. قم: انتشارات اسراء، چاپ دوم.
- سادات مستقیمی، مهدیه. (۱۳۸۵). نقد نابرابر انگاری افراطی جنسیتی در معرفت‌شناسی فمینیستی، قم، دفتر امور زنان.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان.
- سامانی، سیامک، رضویه، اصغر (۱۳۸۶). رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی. پژوهش در سلامت روان شناختی
- شاهواروتی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم، دانشگاه شهید بهشتی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۴). زن در قرآن، تحقیق محمد مردی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۸۸). بررسی‌های اسلامی، (به کوشش سیدهادی خسرو شاهی) قم، بوستان کتاب.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۷). تعالیم اسلام، (به کوشش سیدهادی خسرو شاهی) قم، بوستان کتاب.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۲). اسلام و انسان معاصر، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی. فقیهی، علی نقی. (۱۳۷۸). مجموعه مقالات اولین همایش مشاوره از دیدگاه اسلامی، قم، انتشارات معارف.

فکوهی، ناصر. (۱۳۸۹). انسان شناسی و فرهنگ، دانشگاه تهران.

کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۱). طراحی الگوی آموزشی حل تعارض مستخرج از مبانی (مبتنی بر - دیدگاه جوادی آملی) و عوامل خوددرمان بخش زوجین، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.

ماشینی، فریده. (۱۳۸۰). مقاله حقوق انسانی و جنسیت در قرآن کریم، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۳۷ سال.

موسوی خامنه، مرضیه، و دادهیر، ابوعلی، برزگر، نسرين. (۱۳۸۹). توسعه ی انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان (نتایج مطالعه ای بین کشوری). نشریه پژوهش زنان. شماره ۳۱.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). الف). تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیه.

نعیمی، ابراهیم. (۱۳۹۲). تدوین الگوی حل تعارضات زناشویی مبتنی بر دیدگاه های قرآن کریم، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۳). هویت یابی مستقل. فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۷۱.

Diener, E. & Sandvik, E., Pavot, W. & Fujita, F. (۱۹۹۲). Extraversion and subjective well-being in a U.S. national probability sample. *Journal of Research in Personality*, ۲۶, ۲۰۵-۲۱۵.

Gottman, J. M. (۱۹۷۹). *Marital interaction: Experimental investigations*. New York: Academic press.

- Bamber, M.R. (۲۰۰۶). *C.B.T. for Occupational Stress in health Professionals: Introducing a Schema-Focused approach*. New York: Guilford press.

- Beavers, W. R., & Hampson, R. B. (۲۰۱۰). Resiliency: An African American Senior Citizen's Perspective. *Journal of Black Psychology*, ۳۷: ۲۴- ۴۱.

- Boyatzis , C.J. (۲۰۰۵). Religious and spiritual development in childhood.
- Dattilio,F.M. (۲۰۰۵).The restructuring of family schemas:A cognitive-behavior perspective.Journal of marital and family Therapy. Oxford.Vol.۳۱,Iss.I.PP. ۱۵-۳۰.
- Dattilio,F.M. (۲۰۰۱).Cognitive behavior family Therapy: Contemporary myths and misconceptions. Contemporary family therapy:pp.۳-۱۸
- Edin, K. (۲۰۰۰). What do low-income mothers say about marriage? *Social Problems*, ۴۷(۱), ۱۱۲-۱۳۳.
- Diener, E. & Sandvik, E., Pavot, W. & Fujita, F. (۱۹۹۲). Extraversion and subjective well-being in a U.S. national probability sample. *Journal of Research in Personality*, ۲۶, ۲۰۵-۲۱۵.
- Eidelson, R. J. (۱۹۹۹). Cognition and relationship maladjustment: development of a measure of dysfunctional relationship belief. *Journal of consulting and clinical psychology*, ۵۰, ۷۱۵-۷۲۰.
- Fincham, D , Beach, R. H. Davila, J . (۲۰۰۴). Forgiveness and Conflict Resolution in Marriage. *Journal of Family Psychology*, Vol. ۱۸, No. ۱, ۷۲-۸۱
- Fincham, D & Bradbury, T. N. (۱۹۹۰). Attributions in marriage review and critique. *Psychological Bulletin* ۱۰۷, ۳-۳۳.
- Gibson,R.L. (۲۰۰۴).Scheman Thrapy:A Practitioners Guid.ProQuest-Social Science Journals:PP.۸۴.
- Lovejoy, K. ۲۰۰۴. Marriage moments: An evaluation of an approach to strengthen couples' relationships during the transition to parenthood, in the context of a home visitation program. Brigham Young University. (Unpublished MA-thesis).
- Mc Cabe,M.P (۲۰۰۶).Satisfaction in Marriage and Committed Heterosexual relationships:Past,Present,and future.Annual review of sex research.Academic research library:PP.۳۹-۵۰
- Gottman, J. M. (۱۹۷۹). *Maritalintraction: Exprimental investigations*. New York: Akademic press.
- Jacobson, N. S. (۱۹۸۳). Psychothrapy outcome research methods for reporting variability and evaluativig clinical significance behavior therapy, ۱۵, ۳۳۶-۳۵۲.
- Karoly, P. (۱۹۹۸). Mechanisms of self regulation: A system view. *Annual review of psychology* , ۴۴, ۲۳-۵۲.
- Mace , D, R(۱۹۸۲). *Close companions*. New York: Free press
- Markman, H. J. & Hahlweg, K. (۱۹۹۸). The prediction and prevention of marital distress : an international perspective . *clinical psychology review*, ۱۳, ۲۹-۴۳.
- Markman, H. J. Renick, M. J. Floyed, F. J. Stanley, S. M. & Clements, M. (۱۹۹۹). *Journal of consulting and clinical psychology* ۶۹, ۷۰-۷۹.

-
- Morris, S. B. (۱۹۹۹). Functional family therapy. In. I. R. H. fallon(Ed), handbook of behavioral family therapy. New York: Gilford press.
 - Perls, S.R. and Perls, R.D. ۱۹۹۱. ... Ever ever after: A non scientific look at longterm relationships. In: B. Brothers, Ed. Coupling: What makes permanence? New York: Haworth Press.
 - Sanders, F. M. (۱۹۹۶). Individual and family thrapy: toward and integration. New York: Aronson.
 - Sano, D. L. (۲۰۰۲). Attitude similarity and marital satisfaction in long-term African American and Caucasian marriages. *Dissertation Abstracts International*, Cleveland State University. ۲۰۶ pages.
 - Stanley, S. M., Markman, H. J. & Whitton, S.W. (۲۰۰۲). Communication, conflict and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey. *Family Process*, ۴۱(۴), ۶۵۹-۶۷۵.
 - Szostak, rick. (۲۰۰۹). A Schema for unifying human Science. London: Susquehanna university press.
 - Taylor,E.S.Peplau,L.&sears,D. (۱۹۹۴).Social Psychology. ۸ Ed.USA,Prentice, Hall,Inc.
 - Thomas, L. T. (۱۹۹۸). Impact of family supportive work variable on work-family conflict and strain: Acontorol perspective journal of Applied psychology, ۸۰, ۶-۱۵.
 - Thampson, B. M. (۱۹۹۷). Couples and the work- family inter face. In W. K. Hal ford & H. J. Mark man (Eds). (pp. ۲۷۳-۲۹۰). Chicnester , uk: Wiley.
 - Young,J.E. (۱۹۹۹). Cognitive Therapy for Personality disorders: A Schema-focused approache. Sarasota professional resources exchange.Inc.